

تردیدی نیست که مسئله تبلیغات در تمامی اعصار و قرون و در نزد همه ادیان و مذاهب و حتی احزاب و گروهها و حکومتها دارای اهمیت ویژه بوده و آثار بسیاری در تبیین و تثبیت اهداف و خواستهها و برآم و اندیشه آنان داشته و دارد. به طوری که چه بسا نارواهایی را با رنگ و لعابی زینده به صورت درست و حق جلوه داده و می دهند و چه انسانهایی را بدان وسیله به سوی خود و افکار و آراء و اهدافشان جذب کرده و می کنند. اگر در یک جمله بگوییم که اصولا دنیا و تمام مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی خانوادگی بر محور تبلیغات دور می زند. سخنی به گزاف نگفته ایم. و نظری سطحی و کوتاه به بین و یسار به خوبی این حقیقت را اثبات می کند. و شاید بتوان به

موجب هتک و کسر شان آن بزرگواران است جدا بپرهیزد.
۳۲ - صحیح و درست روضه خواندن در نظر من بسیارست
نه گرم شدن مجلس
۳۳ - از تعریف و تمجید و ثناگویی بیش از اندازه نسبت به دیگران (اعم از بانی مجلس یا بزرگان حاضر در مجلس یا دیگران) بپرهیزد.
۳۴ - برای وقت و عمر شنوندگان خود ارزش قائل باشد آنچه را برای آنها مفید تشخیص می دهد بر زبان آورد.
۳۵ - از تعریف و تمجید و ذکر فضائل خود پرهیز نماید.
۳۶ - در سخنرانی خود همه اقشار حاضر را در نظر آورد و به گونه ای که برای همه در هر سطح فکری که هستند مفید باشد سخن بگوید.
۳۷ - منبر و سخنرانی را میدان تسویه حسابهای شخصی و گروهی قرار ندهد.
۳۸ - در حین سخنرانی به همه جای مجلس و به تمام مستمعین عادلانه نگاه کند، و تنها به یک قسمت مجلس متوجه نباشد.
۳۹ - از ابتکارات و طرحهای نوین تبلیغی غافل نباشد.
۴۰ - بعد از منبر زمانی را برای پاسخ به سوالات و ارائه نظرات مستمعین در نظر بگیرد و...

حوزه علمیه و مسئله تبلیغ

قسمت اول ● سید مهدی شمس الدین

صراحت بیان داشت که اساسا انسان نیازمند تبلیغات می باشد. دین مقدس اسلام که مکتبی زنده و پویا و جاودانی و ماندگار است و به اقتضای فطرت اصیل بشری تنظیم و تدوین شده و تمامی احکام و دستورات سازنده آن موافق با فطرت پاک انسان صادر شده است (۱). از این اصل مهم و حیاتی غافل نمانده و تبلیغات صحیح را اساس رسالت انبیاء الهی و مصلحان دینی جامعه دانسته و در جای جای قرآن کریم بر آن اشاره و تأکید نموده است (۲). و حتی مسئله مهم تبلیغ را سیره و روش پیامبران و امامان دانسته (۳)، و مصلحان دلسوز جوامع اسلامی و مخصوصا عالمان دینی را که وارثان علوم انبیاء (۴) الهی هستند بر پای بندی به آن سفارش کرده است (۵).
و اساسا می توان گفت که دو اصل مهم و حیاتی امر به معروف و نهی از منکر برخاسته از همین سنت اصیل اسلامی، و در واقع جلوه های روشن از تبلیغ اسلامی است که در درجه اول بر دوش عالمان دینی (۶) و سپس به عهده آحاد مردم مسلمان (۷) نهاده شده است. به طوری که همه مسلمانان و مخصوصا علما و روحانیون و الامام در مورد تبلیغات اسلامی و دینی و به عبارت روشن تر در بیان احکام و معارف دینی مسئولیت و وظیفه خطیر و مداوم دارند. و تخلف از آن موجب خسران عظیم دنیوی و عقاب شدید اخروی خواهد بود.

۲ - فن خطابه

چگونه باید سخنرانی و تبلیغ کرد که اولاد دارای جاذبه باشد و ثابا اثرگذار شنوندگان؟
این سوالی است که هر کس قدم در وادی تبلیغ و وعظ و خطابه می نهد با آن روبرو است و به دنبال پاسخی برای آن می باشد. ما در این بخش از نوشتار حاضر به صورت گذرا و فهرست وار به اصولی که در این راه کمک رسان است اشاره می کنیم و قسمتی از پاسخ را که مربوط به بخش دوم سوال است به بخش سوم مقاله احاله می دهیم.
البته اذعان داریم که آنچه ذکر می شود نیازمند تفسیر و توضیح و تفصیل است ولی این مقام را چنان مجال نیست و آن مهم را فرصتی وسیع تر لازم است.
به طور خلاصه یک سخنران خوب باید:
۱ - دارای منزلت و قدر اجتماعی باشد.
۲ - موضوع سخنانش مورد نیاز مردم باشد
۳ - سخن و کلام را در کمال زیبایی و هنر بیان دارد.
۴ - خود از آنچه می خواهد بگوید آگاهی کامل داشته باشد (هم از آنچه فن او است بگوید و هم با مطالعه قبلی)
۵ - شنوندگان را اقع کند.
۶ - از اصطلاحات پیچیده و غیرمانوس بپرهیزد.
۷ - در وعظ و خطابه و روضه خوانی اخلاص داشته باشد (توضیح این امر در بخش سوم خواهد آمد).
۸ - بدانچه می گوید عامل باشد (توضیح این مطلب نیز خواهد آمد)
۹ - سخن خود را بدون مقدمه و زمینه سازی مطرح نسازد (اما نه مقدمه ای طولانی و خسته کننده).
۱۰ - در کیفیت ورود و خروج در بحث مورد نظر دقت کامل داشته باشد.
۱۱ - فصاحت و بلاغت را در گفتار رعایت کند (زیبا و بجا بگوید)
۱۲ - از بیان کلمات سست و بی پایه و مسموعات بی مدرک بپرهیزد.
۱۳ - سخنان زشت و کلمات ناروا بر زبان نیاورد.
۱۴ - از وقفه در کلام و لکنت زبان به دور باشد.
۱۵ - در سرعت و تناژ گفتار اعتدال را رعایت کند (نه با فریاد و نه آهسته سخن گوید، و نه سریع و نه بسیار شمرده حرف بزند)
۱۶ - زیاد طولانی سخن نگوید و مستمع را خسته نکند.
۱۷ - قبلا پیرامون خصوصیات و تناسب مجلس بررسی کند تا آنچه متناسب است بگوید.
۱۸ - از جو سیاسی و اجتماعی محیط غافل و بی خبر نباشد.
۱۹ - به شنوندگان خود احترام بگذارد و آنها را شخصیت بدهد.
۲۰ - با تندی به مستمعین خود عتاب و خطاب نکند.
۲۱ - در انتقادات، اصولی برخورد کند و نام شخص خاصی را (حتی المقدور) بر زبان نیاورد.
۲۲ - در انتقادهای اجتماعی، رعایت تناسب مجلس را بنماید.
۲۳ - با شجاعت کامل و بدون هراس از شخص یا گروه و یا جریان خاصی، سخن حق خود را بگوید.
۲۴ - از مجادله و مناظره خسته کننده با دیگران بپرهیزد.
۲۵ - از طرح شبهه ای که قدرت پاسخ کامل آن را ندارد پرهیز کند (۱۱)
۲۶ - از بیان مسایل و احکام ضروری برای مردم غافل نباشد.
۲۷ - از تکرار بی جا که مخمل به فصاحت و بلاغت است بپرهیزد.
۲۸ - در سخنرانی خود از داستان و حکایت برای شاهد مثال و نیز رفع خستگی مستمعین بهره گیرد.
۲۹ - آیات قرآنی و روایات اسلامی را اساس خطابه خود قرار دهد (و کمتر از کلمات اجانب - جز در موارد خاص - بهره گیرد).
۳۰ - در خواندن اشعار و مصائب، از آنچه دارای مضامین بلند و صحیح است استفاده کند.
۳۱ - در ذکر مصائب اهلیت عصمت و طهارت، از آنه

با این حساب روشن است که حوزه های علمیه شیعه و روحانیون و الامام چه مسئولیت بزرگ و سنگینی در قبال این مهم دارند. و در مقابل تبلیغات زهر آگین دشمنان که با ناهمباهی تهاجم فرهنگی یا شیخون فرهنگی معرفی می شود، اگر سستی و درنگ کنند چه ضربه سخت و غیرقابل جبرانی بر پیکره اسلام و تشیع و نیز بر شجره طیبه انقلاب اسلامی وارد می آید
بحمدالله این سنت بزرگ و برتر از دیرباز در حوزه های علمیه جاری و ساری بوده و آقایان علما و طلاب و محصلین علوم دینی در ایام تبلیغی به حکم قرآن کریم (۸) در سراسر کشور اسلامی (و بعضا در خارج کشور) پراکنده شده و به امور تبلیغ و هدایت و ارشاد مردم می پردازند، و آنان را برای مدتی با معارف غنی و پر بار دینی آشنا کرده و در برابر خطرات شیاطین بیمه می نمایند.
اگر چه لازم است امروزه با دیدگاهی وسیع تر و روشن تر به مسئله تبلیغ و ارشاد و هدایت امت تکریمت و به دور از جمود فکری و تعصبات غیراصولی، با فراگیری آنچه مورد نیاز جامعه اسلامی و مردم مسلمان است به گونه ای آماده و مسلح به تمامی آنچه برای مقابله با افکار زهر آگین الحادی و انحرافی لازم است به نبرد با تهاجم فرهنگی روی آورد. اما در عین حال بایستی در حفظ و نگهداری و تقویت این سیره و روش سلف صالح با همتی عالی و پا خاست و از اضمحلال و تضعیف این جریان ریشه دار تاریخی جدا جلوگیری نمود.
ما در این نوشتار بنا داریم در نهایت خضوع و ادب نسبت به مقام شامخ آن عزیزانی که در راه هدایت و ارشاد مردم به سخنرانی و تبلیغ می پردازند، به بعضی از آنچه گمان می رود در این راستا لازم و مهم و ضروری باشد اشاره ای گذرا بنماییم و توفیق عمل و پای بندی بدان را از صاحب رسالت به دعا بنشینیم.

بمحمدالله این سنت بزرگ و برتر از دیرباز در حوزه های علمیه جاری و ساری بوده و آقایان علما و طلاب و محصلین علوم دینی در ایام تبلیغی به حکم قرآن کریم (۸) در سراسر کشور اسلامی (و بعضا در خارج کشور) پراکنده شده و به امور تبلیغ و هدایت و ارشاد مردم می پردازند، و آنان را برای مدتی با معارف غنی و پر بار دینی آشنا کرده و در برابر خطرات شیاطین بیمه می نمایند.
اگر چه لازم است امروزه با دیدگاهی وسیع تر و روشن تر به مسئله تبلیغ و ارشاد و هدایت امت تکریمت و به دور از جمود فکری و تعصبات غیراصولی، با فراگیری آنچه مورد نیاز جامعه اسلامی و مردم مسلمان است به گونه ای آماده و مسلح به تمامی آنچه برای مقابله با افکار زهر آگین الحادی و انحرافی لازم است به نبرد با تهاجم فرهنگی روی آورد. اما در عین حال بایستی در حفظ و نگهداری و تقویت این سیره و روش سلف صالح با همتی عالی و پا خاست و از اضمحلال و تضعیف این جریان ریشه دار تاریخی جدا جلوگیری نمود.
ما در این نوشتار بنا داریم در نهایت خضوع و ادب نسبت به مقام شامخ آن عزیزانی که در راه هدایت و ارشاد مردم به سخنرانی و تبلیغ می پردازند، به بعضی از آنچه گمان می رود در این راستا لازم و مهم و ضروری باشد اشاره ای گذرا بنماییم و توفیق عمل و پای بندی بدان را از صاحب رسالت به دعا بنشینیم.

همیشه نیت و هدف درونی آدمی تعیین کننده حرکات ظاهری و درجه مقبولیت اجتماعی و عاقبت خیر یا شر او می باشد.

۱ - فضیلت سخنرانی و روضه خوانی:

تردیدی نیست که سخنرانی، خطابه، و ذکر فضایل و مصائب ائمه اطهار علیهم السلام دارای ارزش و اجر بسیار است، و روایات اسلامی به روشنی بر این امر گواه است. البته روشن است که آنچه با عنوان روضه خوانی و ذکر مصیبت ائمه اطهار در روایات آمده، قطعا ناظر بر بیان فضایل آنها و معارف دینی یعنی همان تبلیغ و سخنرانی اصطلاحی نیز می باشد.
در حدیث است که جعفر بن عثمان در محضر شریف امام صادق علیه السلام اشعاری در مصیبت امام حسین علیه السلام خواند و حضرت را گریاند، حضرت به او فرمود: خدای تعالی برای تو در همین ساعت بهشت را با تمام نعمتهای آن واجب کرد و گناهان تو را آمرزید. هر کس در مصیبت حسین علیه السلام شعری بگوید و خود بگرید و دیگران را بگریاند خدا بهشت را برای او واجب می کند و گناهانش را می آمرزد. (۹)

پر واضح است که ذکر فضائل و مناقب اهلیت اطهار علیهم السلام و راه و رسم و روش آنها که مجموعا در قالب خطابه و سخنرانی و وعظ بیان می شود، همه در همین حکم است و قطعا معنایی وسیع تر از این روایات استفاده می شود، چرا که ذکر مصائب و بیان مظلومیت عترت رسول اکرم صلوات الله علیهم اجمعین اگر به تنهایی هدف و مقصود باشد نمی تواند دارای آن همه اثر و نتیجه و پاداش باشد، بلکه اگر کسی بتواند در سایه بیان مصائب اهلیت علیهم السلام به اهداف عالی آن اسوه های بشریت اشاره داشته باشد و مردم را با بیانات و کلمات و مواعظ آنها که در واقع همان معارف و احکام نورانی اسلام است آشنا سازد، توانسته خطابه و سخنرانی جامعی تحویل دهد و حقیقت تبلیغ را عملی سازد.

و لذا بسیار لازم و زیننده است که نه تنها مسئله روضه خوانی مورد توجه باشد و اشک و گریه و بیان مظلومیت آل الله که به تعبیر امام راحل (ره) ضامن حفظ مکتب است به فراموشی سپرده نشود، بلکه آنها که در این زمینه دارای ضعف هستند حتما به فراگیری فنون و رموز

۳ - انگیزه و هدف

آنچه در تبلیغ و وعظ و خطابه، و نیز روضه خوانی و بیان مصیبتهای عترت رسول اکرم علیهم السلام در درجه اول

دو اصل مهم و حیاتی امر به معروف و نهی از منکر در واقع جلوه های روشن از تبلیغ اسلامی است که در درجه اول بر دوش عالمان دینی و سپس به عهده آحاد مردم مسلمان نهاده شده است.

● آنچه در تبلیغ و وعظ و خطابه، و نیز روضه خوانی و بیان مصیبتهای عترت رسول اکرم علیهم السلام در درجه اول اهمیت قرار دارد، مسئله هدف و نیت و انگیزه می باشد.

اهمیت قرار دارد، مسئله هدف و نیت و انگیزه سخنران و روضه خوان می باشد، که هم در تاثیر گذاری در دیگران اثری غیر قابل انکار دارد، و هم تعیین کننده سرنوشت اخروی سخنران و روضه خوان می باشد.
همیشه نیت و هدف درونی آدمی تعیین کننده حرکات ظاهری و درجه مقبولیت اجتماعی و عاقبت خیر یا شر او می باشد، و در احکام و آداب دینی به عنوان جان واصل و ریشه عمل از آن یاد شده، و بر سالم بودن و الهی بودن آن در شریعت تأکید بسیار شده است.
در این بخش ما پیرامون چند محور مهم در همین رابطه سخن می گویم، و آن گونه که قبلا متعرض شده ایم رعایت کمال اختصار را خواهیم نمود، چرا که اگر بخواهیم در هر زمینه بحث مبسوط و وافی داشته باشیم بایستی کتابی مستقل در این باره تألیف کنیم، و این بر صاحبان اندیشه مخفی نیست.

۴ - اخلاص

اخلاص (که زیربنای تمامی احکام دینی است) به منزله پله اول منبر است.
سخنران و منبری باید همین که پای بر پله اول منبر گذاشت غیر از ذات مقدس حضرت احدیت همه را فراموش کند، کسی را نبیند و کسی را نجوید، تا چه رسد به آن که برای جذب قلب یا مال کسی بر منبر رود و سخن گوید و مصیبت خواند و بگریاند.
اگر شیطان او را از این پله لغزاند و هوای نفس او را در دام دامن ملوث دنیا کشاند و برای تحصیل مال یا فریفتن، یا نشر فضل و کمال گفتار بر منبر آید و سخن گوید و روضه بخواند، خود را به مهالک عظیمه ای انداخته که امید نجات در آن نیست.
بعضی از آن مهالک عظیمه عبارتند از:
۱ - خود را به جهت آن اغراض فاسده، از فیوضات و ثوابهای موعود، محروم کرده است.
مرحوم کلینی در کتاب کافی نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: «من اراد الحدیث لمنفعة الدنيا لم یکن له فی الآخرة نصیب و من اراد به الآخرة اعطاه الله خیر الدنیا والآخره»
هر کس قصدش از یادگیری و نقل حدیث برای دیگران، نفع دنیوی باشد بدان دست می یابد و از آخرت بهره ای ندارد، و هر کس قصدش از تعلیم و تعلم حدیث، منافع آخرت باشد خداوند خیر دنیا و آخرت را به او می دهد. (۱۲)

ابن ادریس از جناب ابوذر روایت کرده که فرمود:
«من تعلم علما من علم الآخرة یبرید به عرضا من عرض الدنيا لم یجد ریح الجنة»
هر کس علمی از علوم آخرت را به جهت تحصیل متاع دنیوی بیاموزد بوی بهشت را نمی یابد. (۱۳)
۲ - در گروهی وارد می شود که آل محمد علیهم السلام را سرمایه تجارت دنیوی خود قرار داده و آنها را وسیله ای برای معاش خود نموده اند.
امام باقر علیه السلام در ضمن وصایایی به ابونعمان فرمودند: «ولا تستا کل الناس بنا فتفتقروا»
ما را وسیله خوردن از مال مردم قرار نده که فقیر خواهی شد (۱۴) (و شاید مراد فقر دنیا و آخرت باشد)
و شیخ صدوق در کتاب فقیه از امیرالمومنین علیه السلام روایت کرده که شخصی خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد: سوگند به خدای که ترا برای خداوند دوست دارم، حضرت بر او فرمود: لکن من ترا برای خدا دشمن می دارم، عرض کرد: برای چه؟ فرمود: چون تو برای اذان گفتن، طلب مزد می کنی؟
۳ - در گروهی داخل شود که آخرت خود را به دنیا فروخته اند

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: مردمان بد آنها پند که آخرت خود را به دنیای خود بفروشند، و بدتر از

● توضیح و تصحیح در مقاله «با حدیث مانوس شویم» در سطر به جای اهل بیت، اهل سنت چاپ شده است که بدینوسیله تصحیح می گردد.



- زیرنویسها:
- ۱ - روم / ۳۰
 - ۲ - اعراف / ۶۲ - ۶۸ - ۷۹ - ۹۳
 - ۳ - احزاب / ۳۹
 - ۴ - العنکبوت / ۱۱
 - ۵ - بجهه الامان / ۴ - ۱۶۸
 - ۶ - توبه / ۱۲۲
 - ۷ - آل عمران / ۱۰۴
 - ۸ - توبه / ۱۲۲
 - ۹ - رجال کشی
 - ۱۰ - لؤلؤ و مرجان
 - ۱۱ - با استفاده از سخن و سخنوری فلسفی
 - ۱۲ - کافی (باب السنناتک بعلمه)
 - ۱۳ - سرائر (ابن ادریس)
 - ۱۴ - کافی - امالی صدوق
 - ۱۵ - لؤلؤ و مرجان / ۱۳ - ۲۶